

بررسی نقش و جایگاه دانش اجتماعی مسلمین در

کنترل آسیب‌های اجتماعی

(با تأکید بر رویکرد خطابی در دوره فراز تمدن اسلامی)

حمید فاضل قانع^{۱*}

چکیده

دانش اجتماعی مسلمین که از زوایای گوناگون به ژرفانگری در مسائل اجتماعی پرداخته و با کنترل شایسته آسیب‌های اجتماعی در سده‌های میانی، نقش مهمی در فراز تمدنی جامعه مسلمان داشته است. از میان رویکردهای گوناگون دانش اجتماعی مسلمین، رویکرد خطابی بیشترین اثرگذاری را بر اندیشه و رفتار مردمان داشته و عمومی‌ترین وجه دانش اجتماعی مسلمین بوده است. متون رویکرد خطابی به دلیل توجه ویژه به آداب و رسوم و بسیاری از روابط میان فردی و اجتماعی، ترکیبی متوازن و متناسب با شرایط و اقتضائات زمانه خویش ارائه کرده و به افراد، نگرشی سازنده در برابر موقعیت‌های زندگی می‌بخشیدند. کامیابی دانش اجتماعی مسلمین در بروز رفتارهای بهنجار از سوی شهروندان، این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا بازخوانی و روزآمد کردن الگوهای اثرگذار رویکرد خطابی بر جامعه و فرهنگ، در این روزگار نیز می‌تواند جامعه مسلمان را در کنترل آسیب‌های اجتماعی یاری کند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، دیدگاه‌ها و نظریه‌های اندیشمندان مسلمان را در رویکرد خطابی، بازآفرینی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آثار اندیشمندان مسلمان در رویکرد خطابی با تکیه بر ویژگی‌هایی مانند اخلاق‌گرایی، آگاهی‌بخشی، بهره‌گیری از روش اقناعی و هم‌چنین گستردگی و گوناگونی مخاطب، چهار محور اصلی را در کنترل بهینه آسیب‌های اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند: واقع‌نگری در رویارویی با آسیب‌های اجتماعی؛ ترسیم چشم‌انداز قابل‌دستیابی از جامعه مطلوب؛ بهبود جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی شبکه اجتماعی؛ برجسته‌سازی بن‌مایه‌های اصیل فرهنگی در سبک زندگی.

واژگان کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، دانش اجتماعی مسلمین، رویکرد خطابی، سبک زندگی، اندرزنامه‌ها.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۳

۱. دانش‌آموخته دکتری دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه باقرالعلوم، قم (نویسنده مسئول: hamidfazel@gmail.com)

بیان مسئله

هر جامعه انسانی برای بهنجار کردن رفتار کنشگران اجتماعی و برای پیشگیری از بروز آسیب‌های رفتاری، شیوه‌ها و روش‌های ویژه خود را به کار می‌گیرد. بر این اساس در جامعه‌ای که فرهنگ آن ریشه در آموزه‌های دینی و اسلامی دارد می‌بایست بر ترویج و نهادینه‌سازی آن دسته از بنیان‌های دینی که هنجارهای اجتماعی را در جامعه مسلمان تعریف می‌کند، متمرکز شود. البته برای این منظور ما نباید از نقطه صفر آغاز کنیم؛ زیرا جامعه مسلمان در گذشته تاریخی خود شاهد ظهور اندیشمندان بزرگی بوده که با تکیه بر تمام منابع معتبر معرفتی و ژرفاندیشی در پدیده‌ها و مسائل اجتماعی توانسته‌اند با کنترل آسیب‌های اجتماعی، سبکی از زندگی را پردازند که مسلمانان را برای چندین سده بر فراز قله پیشرفت و ترقی و تمدن جهانی بنشانند و شالوده دانش‌ها را بر آن استوار سازد.

بررسی آثار مکتوب دانش اجتماعی مسلمین در دوران فراز تمدنی جامعه مسلمان، ما را با اندیشمندانی آشنا می‌کند که خردورزان و تحول‌آفرینان روزگار خویش و یا پاسدار و تثبیت‌کننده اوضاع اجتماعی در آن روزگار بوده‌اند. مطالعه این آثار، علل رکود و سکون جامعه یا بسترهای تحولات فرهنگی و دگرگونی جامعه را آشکار می‌کند. چنین یافته‌ای اگر با قبول تکرارپذیری رویدادها و پذیرش نقش‌آفرینی عنصر آگاهی در کنش‌های انسانی همراه شود، می‌تواند برای جوامع این روزگار بسیار پندآموز باشد. این رهاورد در آن دسته از رویکردهای دانش اجتماعی مسلمین که به‌گونه‌ای انضمامی‌تر و عینی‌تر به مسائل اجتماعی توجه کرده‌اند، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

دانش اجتماعی مسلمین با سویه‌ها و رویکردهای گوناگون به ژرفانگری در مسائل اجتماعی پرداخته است. امروزه اگر به سراغ آثار مکتوب برجای‌مانده از دانش اجتماعی مسلمین در دوره‌های مختلف تاریخی برویم، این امکان وجود دارد که با تحلیل لایه‌های زیرین تحولات اجتماعی، هم به تأثیر رویکردهای مختلف دانش اجتماعی مسلمین در تحقق رخدادها دست یابیم و هم میزان کارآمدی آن الگوها در دوره معاصر را ارزیابی کنیم. این بررسی، به‌ویژه اگر بر دوران فراز تمدنی جامعه مسلمان متمرکز شود از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود زیرا دستیابی به مرحله فراز تمدنی، نشانه کامیابی جامعه در نهادینه‌سازی ارزش‌ها، هنجارها و کنترل کج‌روی‌ها و آسیب‌های اجتماعی است.

از میان رویکردهای چندگانه دانش اجتماعی مسلمین، یکی از انضمامی‌ترین آن‌ها رویکرد خطابی است که با شیوه عمومی، آسان‌یاب و اخلاق‌مدار، بیشترین اثرگذاری را بر اندیشه و رفتار مردمان داشته است. متون رویکرد خطابی، آداب‌ورسوم یک جامعه گسترده و گروه‌های مختلف اجتماعی را در

دوران فراز تمدنی مسلمانان بازنمایی می‌کند. کتاب‌ها و رساله‌های رویکرد خطابی سرشار از مسائل و موضوعات مربوط به آداب و رسوم و بسیاری از روابط میان فردی و اجتماعی است. گوناگونی و تکرار این کتاب‌ها و رساله‌ها در دوران فراز تمدنی مسلمانان نشان‌دهنده توجه گسترده اجتماعی به این امور در آن روزگار است. این آثار به دلیل در بر گرفتن مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی، ترکیبی متوازن و متناسب با شرایط و اقتضائات زمانه خویش داشتند و به افراد، نگرشی سازنده در برابر موقعیت‌های زندگی می‌بخشیدند. نتیجه روشن چنین وضعیتی، بروز رفتارهای درست و بهنجار از سوی شهروندان بود. بنابراین می‌توان این پرسش را پی گرفت که آیا بازخوانی این آثار و بازیابی الگوهای اثرگذاری آن‌ها بر جامعه و فرهنگ، در این روزگار نیز می‌تواند سازنده و راهگشا باشد و آیا روزآمد کردن آن‌ها می‌تواند جامعه مسلمان معاصر را در کنترل آسیب‌های اجتماعی یاری کند؟ اگر این توانمندی اثبات شود، آنگاه بازخوانی و روزآمد کردن تجربه موفق که جامعه مسلمان در گذشته تاریخی خود داشته، ابزار کارآمدی را در اختیار ما قرار می‌دهد که با تکیه بر آن، بدون گرفتار شدن در مسیر پرخطر آزمون و خطا می‌توانیم چشم‌انداز سازگار با اقتضائات فرهنگی و تاریخی جامعه خود را تدوین کرده، و نقشه راه مناسبی را برای کنترل آسیب‌های اجتماعی طراحی کنیم.

پیشینه پژوهش

دانش اجتماعی همانند حوزه‌های دیگر دانش در جامعه مسلمان از دیرباز مورد توجه بوده و بیش از هزار سال سابقه حیات پیاپی و منظم دارد. به دلیل همین سابقه تاریخی، درباره تاریخ تفکر اجتماعی مسلمانان، پژوهش‌های گوناگونی توسط پژوهشگران مسلمان و غیرمسلمان انجام شده که به طور مشخص در ایران می‌توان به آثاری با همین عنوان تاریخ تفکر اجتماعی اشاره کرد که هرچند گوناگونی و فراوانی آن‌ها چشمگیر و قابل توجه است، اما در چنین پژوهش‌هایی کلیت اندیشه اجتماعی مسلمانان مورد توجه بوده و گزینش اندیشمندان یا سویه‌های اجتماعی اندیشه آنان از دقت کافی برخوردار نیست. اخیراً برخی از اندیشمندان با تأمل ژرف و دقت علمی فراوان، گامی پیش‌تر نهاده و سویه‌های اندیشه‌ورزی اجتماعی مسلمانان را در گستره تاریخی آن احصا کرده‌اند. از این منظر، متفکرین مسلمان از صدر اسلام تا کنون مسائل و پدیده‌های اجتماعی جوامع خود را با رویکردها و روش‌های گوناگونی مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ رویکرد وحیانی در عصر حضور پیامبر اعظم (ص)، رویکردهای روایی، تفسیری، فقهی، فلسفی، کلامی، عرفانی، گزارشگری در دو حیطه تاریخی و تکنگاری (سفرنامه) و رویکرد خطابی در قالب آداب نامه، سیاست‌نامه و فتوت نامه برای تبیین،

تفسیر، انتقاد و تجویز در حوزه دانش اجتماعی یا ترویج در عرصه اجتماع به کار گرفته شده است. (پارسانیا، ۱۳۸۶؛ ابراهیمی پور، ۱۳۹۴)

این رویکردهای چندگانه، بستر مناسبی برای بررسی و بازخوانی اندیشه اجتماعی مسلمانان در گذشته تاریخی آنان است. در این بستر می‌توان دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان اجتماعی مسلمان را درباره موضوعات و مسائل گوناگون اجتماعی بازشناسی کرد. البته دستیابی دقیق و کامل به هر بخشی از اهداف این پژوهش، نیازمند ژرفکاوی در گستره وسیعی از آثار برجای‌مانده از اندیشمندان متقدم مسلمان است و بر این اساس، هر تلاشی برای بازخوانی دانش اجتماعی مسلمین در چارچوب رویکردهای پیش‌گفته، گامی آغازین خواهد بود که سابقه پژوهشی درخوری برای آن یافت نمی‌شود. این ویژگی، پژوهش حاضر را متمایز کرده، و سختی و دشواری آن را آشکار می‌کند. به‌ویژه آن‌که در این پژوهش تلاش می‌گردد تا تکیه اصلی بر منابع دست‌اول و آثار مکتوب اندیشمندان مسلمان باشد و اگر موضوعات و مسائلی از آنان بیان می‌شود بر اساس آثار خود ایشان باشد؛ هم‌چنین در بازشناسی نظریه اجتماعی اندیشمندان مسلمان پیرامون آسیب‌های اجتماعی، به کارآمدی دیدگاه‌های آنان در علم اجتماعی روز و قابلیت تبیین و تفسیر پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی توجه می‌شود.

روش پژوهش

مناسب‌ترین روش برای بررسی اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان که اهداف این پژوهش را به‌خوبی پوشش می‌دهد، روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار است. تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار^۱ از مهم‌ترین روش‌های تحقیق برای تحلیل داده‌های متنی است، و برای نظریه‌پردازی و تفسیر محتوایی از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است؛ زیرا تفسیرها از نظر ژرفا و لایه‌های انتزاع، متفاوت هستند و روش تحلیل محتوای کیفی از این قابلیت برخوردار است که هم بر محتوای پنهان و هم بر محتوای آشکار داده‌ها متمرکز شود. در این راستا برای کشف معانی بنیادین، به‌صورت استقرایی و هدفمند به‌گزینش موضوعاتی از متون و داده‌های خام پرداخته می‌شود که بازتاب‌دهنده پرسش‌های پژوهش باشد.

در این پژوهش ما با نظریه و دیدگاه‌ها یا پژوهش‌های پیشینی روبه‌رو هستیم که نیازمند بازآفرینی و تکمیل یا بسط مفهومی است؛ و چنین رویکردی دقیقاً در روش تحلیل محتوای جهت‌دار، مورد توجه

.....
1. Directed Content Analysis.

است؛ زیرا هدف اصلی این روش نیز معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است. نظریه از پیش موجود، می‌تواند به تمرکز بر پرسش‌های تحقیق کمک کند. این امر پیش‌بینی‌هایی را درباره مفاهیم موردنظر یا درباره ارتباط بین مفاهیم فراهم می‌کند و پژوهشگر می‌تواند با بهره‌گیری از پژوهش‌های پیشین، کار خود را با شناسایی مفاهیم اصلی آغاز کند و در ادامه بر اساس یافته‌های ناشی از روش تحلیل محتوای جهت‌دار، پیشنهادهایی برای حمایت یا عدم‌حمایت از نظریه پیشینی داشته باشد. این فرایند اگر به دستاورد متفاوت یا متضادی منتهی نشود، می‌تواند بر اصلاح، گسترش و یا تقویت نظریه پیشینی اثرگذار باشد. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۲۴-۲۶)

رویکردهای دانش اجتماعی مسلمین

رویکردهای متکثر و متنوعی را که اندیشمندان مسلمان برای بررسی مسائل اجتماعی از زوایای گوناگون به کار گرفته‌اند، اگرچه مبتنی بر اختلاف در روش یا موضوع است، اما همگی در سازگاری کامل با بنیادهای معرفتی موجود در حوزه فرهنگی جامعه مسلمان شکل گرفته است. آثار مکتوبی که از دانش اجتماعی مسلمین در دوره فراز تمدنی برجای مانده است، برخی با روش برهانی و برای کشف حقیقت نگاشته شده و بعضی با روش خطابی برای اثرگذاری تربیتی نگارش شده و گونه‌هایی از آن‌ها روش جدلی را برای غلبه بر خصم برگزیده‌اند. کتاب‌ها و رساله‌های تدوین‌شده در حوزه فلسفه اجتماعی یا حکمت مدنی و هم‌چنین فقه اجتماعی در دسته نخست جای می‌گیرند و آثاری که با عنوان آداب نامه نگارش شده در دسته دوم قرار می‌گیرند و برخی از آثار مربوط به کلام سیاسی، به دسته سوم ملحق می‌شوند (پارسانیا، ۱۳۸۹، ص ۷۷-۷۸). این دیدگاه در واقع به روش‌های سه‌گانه استدلال شامل قیاس، استقرا و تمثیل معطوف است؛ استدلال از جزئی به کلی را استقرا نامیده‌اند؛ استدلال از جزئی به جزئی را تمثیل گفته‌اند و استدلال از کلی به جزئی را قیاس خوانده‌اند. این قیاس که قیاس منطقی نیز نامیده می‌شود، شامل پنج گونه برهان، جدل، خطابه، شعر و مغالطه است که هدف مناظر با هر یک از آن‌ها، دست‌یابی به یقین، تسلیم مخاطب، اقناع‌سازی، زیبا یا زشت نمایاندن امری در خیال مخاطب یا به اشتباه انداختن اوست. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۱۷-۱۲۰)

در این چارچوب، دانش اجتماعی مسلمین در قالب رویکردهای فلسفی، عرفانی، کلامی، تفسیری، حدیثی، فقهی، کلامی، تاریخی و خطابی با روش‌های تجربی، عقلی، نقلی و شهودی به توصیف، تفسیر و تبیین پدیده‌های اجتماعی پرداخته و هم‌چنین انتقاد، تجویز و هنجار را نیز پی می‌گیرد. از میان گونه‌های پنج‌گانه قیاس اگرچه این استدلال برهانی است که انسان را به دانش یقینی و معارف

خطاناپذیر می‌رساند، اما عموم مردم با روش‌های غیر برهانی، مانند آداب نامه‌ها در رویکرد خطابی، انس بیشتری دارند و تنها از این طریق می‌توان آن‌ها را به مراتبی از حقایق برهانی رساند. رابطه «متون خطابی» با علوم عملی یک رابطه طولی به معنای ترویج آن علوم در عرصه اجتماع و فرهنگ است و «رویکرد خطابی» با استفاده از روش‌های اقناعی به ترویج معرفت همسو با خود در عرصه اجتماع می‌پردازد.

سویه‌های رویکرد خطابی

آثار مکتوب برجای‌مانده از رویکرد خطابی به‌عنوان حاصل تجربه انسان‌های خردمند در برخورد با مسائل گوناگون زندگی، خود دارای انواع متکثر و متنوعی است که به معرفی مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. اندرزنامه‌ها

اندرزنامه عنوان متون اخلاقی است که ادیبان فارسی‌زبان با تأکید و تمرکز بر مسائل اجتماعی روزگار خویش آن‌ها را به نگارش درآورده‌اند. اندرزنامه نویسی در ادبیات و فرهنگ ایران سابقه‌ای دیرینه دارد. عصر ساسانی آکنده از پندنامه‌هایی است که دقایق و فنون ملک‌داری و تجارب سیاسی را با لحنی استوار و بی‌پیرایه ارائه کرده است (زرین‌کوب، ۱۳۸۳، ص ۴۹-۹۳). اوستا و کتیبه‌های فارسی باستان و همچنین منابع هندی، یونانی، مصری و رومی را خاستگاه این اندرزنامه‌ها دانسته‌اند (معین، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۸۱؛ تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۱). وجه اهمیت این اندرزنامه‌های کهن، اثرگذاری شایان آن‌ها بر ادبیات و آثار رویکرد خطابی در دوران اسلامی است (قندهاری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۳، ص ۵۴-۹۳). پس از گسترش آموزه‌های اسلامی، اندرزها ذیل عنوان آداب، در سده‌های نخستین اسلامی به گفته‌ها و نوشته‌هایی اطلاق می‌شد که محتوای اخلاقی و تربیتی داشت (ابوعلی مسکویه، ص ۷) و هدف آن‌ها، تصفیه روح و تزکیه نفس، حسن رفتار و گفتار، مردم‌داری و آشنایی با فرهنگ و هنر بوده است. اندرزنامه‌ها در دوره فراز تمدنی جامعه مسلمان از مهم‌ترین عوامل فرهنگی اثرگذار بر ذهن، احساس، عاطفه و اندیشه کنشگران بوده است. پس هرچند که نقش احساسات، عواطف، غرایز و امیال انسان‌ها در کنشگری اجتماعی را نمی‌توان انکار کرد، اما در لایه‌های بنیادی‌تر می‌توان نقش تحول‌آفرین یا تثبیت‌کننده اندرزنامه‌ها را به‌عنوان اندیشه پشتیبان، شناسایی کرد.

۲. شریعت‌نامه‌ها

شریعت‌نامه، عنوان متون اخلاقی و آداب‌نامه‌هایی است که تکیه محتوایی آن بر شریعت و احکام آئینی و آموزه‌های اسلامی است. شریعت‌نامه‌ها معمولاً توسط فقیهانی که به رویکرد خطابی گرایش داشته‌اند تدوین گردیده است و در دوره میانه اسلامی، ارتباط با قدرت سیاسی و نصیحت به حاکمان برای تثبیت قدرت را مفروض داشته‌اند. محوریت آموزه‌های اسلام، مهم‌ترین ویژگی شریعت‌نامه‌هاست. اغلب شریعت‌نامه‌ها محصول رویکرد آرمان‌گرای جمعی از اندیشمندان دین‌مدار و دین‌محور است که سامان جامعه را در سازگاری کامل آن با شریعت، می‌جستند. آن‌ها اصلاح جامعه را از طریق اندرزهای اسلامی و سفارش‌های اخلاقی پی می‌گرفتند و در این راه، بر نقش خلیفه یا حاکم به‌عنوان محور گفتمان سیاسی سنتی تأکید می‌کردند و اصلاح خلیفه و حاکم را شرط لازم برای اصلاح دنیا و آخرت مردم می‌دانستند. در همین راستا می‌توان احکام السلطانیه *ماوردی* (۳۶۴-۴۵۰ق) و نصیحه الملوک *غزالی* (۴۵۰-۵۰۵ق) را برترین آثار پدید آمده در حوزه شریعت‌نامه‌نویسی دانست.

۳. سیاست‌نامه‌ها

سیاست‌نامه، عنوان متون تأدیبی است که اغلب به عوامل حفظ و تحکیم بنیان‌های حکومت و یا زمینه‌های ضعف و اضمحلال اجتماعی آن پرداخته‌اند و با عطف توجه به رأس هرم قدرت، مخاطب آن نیز معمولاً حاکمان جامعه است (شرفی، ۱۳۹۰، ص ۹۵). این آثار در حوزه سیاست و با سفارش رفتار مناسب در زندگی سیاسی و اثرگذاری بر رفتار سیاسی صاحبان قدرت به رشته تحریر درآمده‌اند (مقدم، ۱۳۹۳، ص ۲۶). در این گونه از آثار، هم شیوه‌های حفظ اقتدار و مشروعیت قدرت سیاسی ارائه می‌شود و هم آنچه به تضعیف یا از بین رفتن قدرت می‌انجامد با عنوان آفات قدرت سیاسی به حاکم یادآوری می‌شود؛ تا بدین طریق قدرت او هرچه بیشتر نزد مردم توجیه‌پذیر گردد. بنابراین محور مباحث آداب‌نامه‌نویسان سیاسی، قدرت حاکم و حفظ آن است.

ویژگی مهم آداب‌نامه‌های سیاسی آن است که هرچند محتوای آن‌ها بازتاب خواسته‌های آرمانی حاکمان و کارگزاران حکومت هستند، اما روند تحول‌خواهی ایرانیان برای گذار از تنگناهای سیاست را نیز بازنمایی می‌کنند. این دسته از متون تأدیبی اگرچه به خواست حاکمان و کارگزاران سیاسی نوشته می‌شد، اما معمولاً به‌گونه‌ای تدوین می‌گردید که با پر کردن فاصله میان طبقات حاکم و محکوم، هر دو گروه را به‌سوی وضع مطلوب راهنمایی کند (مشتاق‌مهر، ۱۳۸۵، ص ۸۷). در روی‌آوری اندیشمندان مسلمان به نگارش سیاست‌نامه، چگونگی اوضاع اجتماعی، نقش مهمی ایفا کرده است، چنان‌که خطر

رشد اشرافیت مغولی و تمایلات گریز از مرکز آنان در دوره ایلخانی موجب شد تا جمعی از نویسندگان بکوشند تا در قالب تدوین متون، راه و رسم حکومت بایسته را به سلطان و حاکم زمانه خود بیاموزند و از این رهگذر، آشفته‌گی اجتماعی را به سامان برسانند. (شرفی، ۱۳۹۰، ص ۹۷)

۴. فتوت‌نامه‌ها

فتوت‌نامه، عنوان گروهی از کتاب‌ها و رساله‌های منسوب به جوانمردان در دوره‌های مختلف تاریخی ایران است که شیوه جوانمردی و فتوت در هر صنف و پیشه را تشریح می‌کنند. فتوت‌نامه‌ها در واقع، مرام‌نامه خودپذیرفته و درونی‌شده صاحبان پیشه‌های گوناگون در جامعه ایرانی بود که بخشی از اخلاق عملی محسوب می‌شود. فتوت‌نامه نویسان که اغلب بر پیاده‌سازی آداب اخلاقی در جامعه تأکید داشتند، در این رویکرد، خود را متأثر از امیر مؤمنان علی(ع) دانسته و آن حضرت را سرحلقه اهل فتوت نامیده‌اند (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، ص ۶). پهلوانی و آیین جوانمردی از دیرباز در سرزمین ایران مورد توجه بوده است. جوانمرد در فرهنگ ایرانی به انسان راست‌گو، گشاده‌دست و کارآزموده‌ای گفته می‌شد که همواره آماده دفاع از هم‌میهنان و جان‌بازی در راه آرمان باشد، بی‌پناهان را پناه دهد، دست و دل و چشم از ناموس دیگران پاک دارد و عهد و پیمان خود را نشکند (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳، ص ۱۴۳-۱۴۴). فرهنگ پهلوانی و جوانمردی ایرانیان در دوره اسلامی با فرهنگ عیاری دارای خاستگاه مشترک است و دلیری، پارسایی، شکیبایی، مهرورزی و پاسداری از مردمان، از ویژگی‌هایی است که هم برای پهلوانان و هم برای عیاران بیان شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد عیاران و پهلوانان به‌عنوان نیروی پیشاهنگ فتیان و جوانمردان بازاری و پیشه‌ور از نفوذ اجتماعی زیادی برخوردار بوده‌اند. (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳، ص ۱۴۶)

۵. مقامات

مقامه در اصطلاح ادبی، نوعی داستان کوتاه مشتمل بر یک واقعه است که معمولاً با هدف پند و اندرز شنوندگان و با عبارات مسجع و آهنگین پرداخته شده باشد (ذکاوتی، ۱۳۸۷، ص ۱۲-۱۳). کلام آهنگین، عبارت‌های دلنشین، واژگان همنشین و آمیختگی نظم و نثر از ویژگی‌های صوری و ساختاری مقامه‌نویسی است. در این گونه از داستان‌پردازی‌های کوتاه، معمولاً قهرمانی به‌صورت ناشناس وارد ماجرا می‌شود و همین که در پایان ماجرا شناخته می‌شود، ناپدید می‌گردد تا آنکه دوباره، در هیئتی دیگر در مقامه بعدی ظاهر شود (شمیسا، ۱۳۷۳، ص ۲۰۷). مقامه‌نویسان، ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی در روزگار خویش را به‌گونه‌ای نزدیک به واقعیت ترسیم کرده‌اند، گویی در پرده نمایش با

رویکردی انتقادی، گوشه‌های زشت و محکوم‌شدنی جامعه را از نظر خواننده می‌گذرانند و دست به افشاگری می‌زنند. آن‌ها در پی بازنمایی معضلات اخلاقی و رفتاری جامعه، می‌کوشند تا کلام خود را با حکمتی همراه سازند و به اصلاح باورها و رفتارهای ناصواب یاری رسانند.

ویژگی‌های رویکرد خطابی

بررسی آثار متکثری که با رویکرد خطابی تدوین شده است، نشان می‌دهد اخلاق‌گرایی، آگاهی‌بخشی، بهره‌گیری از روش اقناعی و هم‌چنین گستردگی و گوناگونی مخاطب، از مهم‌ترین ویژگی‌های این رویکرد است.

۱. اخلاق‌گرایی

توجه به اخلاق، شاخص‌ترین ویژگی رویکرد خطابی است که همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است. آن‌ها با پیروی از سنت و سیره پیشوایان جامعه مسلمان کوشیده‌اند در چارچوب نظام معنایی توحیدی، مردم را به سوی صفات پسندیده اخلاقی سوق دهند و از این رهگذر، کنترل اجتماعی مفاسد اخلاقی را محقق کنند. از این رو، آثاری مانند مقامات، سیاست‌نامه، قابوس‌نامه، گلستان و بوستان که از رویکرد خطابی بهره گرفته‌اند در مجموعه ادبیات تعلیمی جای می‌گیرند.

۲. آگاهی‌بخشی

عنصر آگاهی‌بخش‌ترین نقش را در کنشگری انسان و تکرار آن کنش‌ها ایفا می‌کند؛ از این رو، شناسایی عنصر آگاهی‌بخش و اثرگذار بر ذهن و اندیشه کنشگران ضروری خواهد بود که بخش زیادی از آن را متون و آثار رویکرد خطابی با روشن ساختن ارزش‌های مقبول و ناهنجاری‌های مطرود هر جامعه در یک بازه زمانی خاص ارائه کرده‌اند. هم‌چنین رویکرد خطابی به رشد مهارت‌هایی که فرد برای زندگی نیاز دارد، یاری می‌رساند.

۳. بهره‌گیری از روش اقناعی

از حیث روش‌شناختی، اندیشمندانی که در گذشته تاریخی جامعه مسلمان، به رویکرد خطابی گرایش داشته‌اند، روش‌های اقناعی غیربرهانی را در تلاش‌های دامن‌گستر خود برای ترویج سبک زندگی اسلامی در جامعه به‌کار گرفته‌اند. در این متون برای ایفای مقصود، بیشتر از خطابه یا اقناع ناشی از مشاهدات تاریخی استفاده شده است تا تأثیر اجتماعی و تربیتی بیشتری را در پی داشته باشد.

۴. گستردگی و گوناگونی مخاطب

ویژگی دیگر رویکرد خطابی، گستره توجه آن به صدر و ذیل اجتماع است؛ گوناگونی و تنوع رویکرد خطابی موجب توجه هم‌زمان این رویکرد به طبقه حاکم و بدنه جامعه شده است؛ اگر سیاست‌نامه‌نویس به اصلاح رأس هرم اجتماعی چشم دوخته است، اندرزنامه‌نویس توجه خود را به کل هرم اجتماعی و به‌ویژه طبقات فرودست معطوف کرده است (شرفی، ۱۳۹۰، ص ۹۵). این گشودگی و گستردگی را در یک فرآیند تکاملی و به‌ویژه در گلستان سعدی می‌توان آشکارا مشاهده کرد.

کارکرد کنترل آسیب‌ها در رویکرد خطابی

از آنجاکه آثار موجود در رویکرد خطابی، بیانگر ساختار قدرت، شیوه‌های حکومت، سازمان اداری، طبقات اجتماعی و آداب و رسوم روزگار خود هستند در کنترل آسیب‌های اجتماعی نیز کارکرد چشمگیری داشته‌اند. روش برگزیده آنان نیز در پرداختن به آسیب‌های اجتماعی، یک روش تجربه‌گرایانه مبتنی بر واقعیات عینی و موجود، یا روشی برگرفته از تجارب موفق پیشینیان بوده است (رجائی، ۱۳۷۳، ص ۷). به همین دلیل می‌توان انتظار داشت بررسی محتوای آثار مکتوب بر جای‌مانده از اندیشمندان و متفکران ایرانی تبار با رویکرد خطابی، ما را به شیوه‌های کارآمدی که جامعه مسلمان در دوران فراز تمدنی برای کنترل آسیب‌های اجتماعی، آزموده است رهنمون شود. در واقع، محور اصلی این پژوهش، دستیابی به شیوه تأمین آرامش و امنیت اجتماعی از طریق کنترل آسیب‌های اجتماعی در دوران خاصی از تاریخ جامعه مسلمان است. در این چارچوب، یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در محورها و گام‌های زیر، تبیین کرد.

۱. واقع‌نگری در رویارویی با آسیب‌های اجتماعی

کجروی که پدیده‌ای ضداجتماعی دانسته می‌شود در ارتباط با اموال، تمامیت جسمانی یا شخصیت معنوی انسان‌ها و گاهی در ارتباط با امنیت جامعه و اخلاق عمومی، بروز می‌کند و به همین دلیل، مقابله و رویارویی با آن نیز به دغدغه اصلی مصلحان اجتماعی تبدیل می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم رویکرد خطابی، واقع‌گرایی و واقع‌نگری آن‌ها در حوزه اجتماع است که موجب شده نظریه‌پردازی این دسته از اندیشمندان مسلمان مبتنی بر واقعیت‌های ساختار اجتماعی و روابط و مناسبات حاکم بر جامعه آن روزگار باشد (مقدم، ۱۳۹۳، ص ۳۱). رمز موفقیت اندیشمندان مسلمان در اثرگذاری بر جامعه هدف، آن است که آرمان‌گرایی خود برای رسیدن به وضع مطلوب را با واقع‌نگری همراه کرده‌اند و گسسته از واقعیت‌های عینی جامعه به خیال‌پردازی و آرمان‌گرایی نپرداخته‌اند. آن‌ها با

بهره‌گیری از قالب پند و اندرز، هنجارهای برگزیده و موردتوجه خود را به جامعه روزگار خویش ارائه کرده‌اند و البته این رویکرد، مبتنی بر واقع‌نگری و شناخت دقیق از انواع کجروی یا آسیب اجتماعی در جامعه آن روزگار بوده است. در این چارچوب، اندیشمندان مسلمان با تکیه بر مفاهیمی مانند انسانیت، عدالت، صلح، میانه‌روی، خردورزی، برابری، برادری و نوع‌دوستی به سامان اجتماعی پرداخته‌اند. اندیشمندان مسلمان در فرآیند آسیب‌شناسی، به شناخت و بررسی خاستگاه کجروی در جامعه و افراد انسانی توجه کرده‌اند؛ سعدی (۶۰۶-۶۹۰ ه.ق) در گلستان، *عنصرالمعالی* (۴۱۲-۴۸۰ ه.ق) در قابوس‌نامه و *خواجہ نظام‌الملک* (۴۰۸-۴۸۵ ه.ق) در *سیرالملوک* به شناسایی و معرفی عوامل گوناگون روی‌آوری انسان‌ها به کجروی پرداخته‌اند. فقر، بیکاری، خانواده ناسالم، شکاف طبقاتی، فشارهای اجتماعی، دوستی‌های ناشایست، حرص و آز، حسادت و مانند آن، از عواملی است که در متون رویکرد خطابی به‌عنوان زمینه و بستر بروز کجروی و آسیب اجتماعی موردتوجه بوده است.

حاصل رویکرد آسیب‌شناسانه اندیشمندان مسلمان را درنهایت می‌توان گونه‌ای از نقد اجتماعی دانست که سه محور اصلی را به‌صورت متوازن پوشش داده است: اول، نقدهای حکومتی که به شاه و کارگزاران حاکمیت و شیوه برخورد آن‌ها با رعیت وارد می‌شود؛ دوم، نقدهای عقیدتی که به گروه‌های خاص اجتماعی وارد می‌شود؛ سوم، نقدهای اخلاقی که به هر فردی در جامعه می‌تواند وارد شود. مواردی که محور نخست، آن‌ها را در بر می‌گیرد عبارت‌اند از: ستم فرمانروایان، دست‌اندازی زمامداران به دین و مذهب، تلون و تغیر و بی‌هنری حاکمان، جنگ و خون‌ریزی حکومت‌ها، عزل و نصب‌های ناشایست، فشارهای اقتصادی حکومت بر مردم، روابط زمامداران با مردم و امنیت اجتماعی. در محور دوم گروه‌ها و طبقات اجتماعی مانند عالمان، عابدان، پارسایان، فقیهان، قاضیان، واعظان، صوفیان، درویشان، دنیاطلبان، توانگران، شاعران و زنان موردتوجه قرار گرفته‌اند. در محور سوم نیز بسیاری از موضوعات و مسائل اخلاقی جامعه موردتوجه بوده است (مهرآوران و قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۱۶-۳۸). پرننگ بودن این رویکرد انتقادی نشان‌گر جامعه‌گرایی اندیشمندان مسلمان در رویکرد خطابی است که زندگی سالم و نیک‌بختی انسان را در ظرف اجتماع سالم و بهنجار، ممکن دانسته‌اند و عاملیت و ساختار را دارای نقشی متوازن در سامان جامعه دیده‌اند.

به نظر می‌رسد نقد اجتماعی و رویکرد آسیب‌شناسانه اندیشمندان مسلمان، عموم این اندیشمندان را به این نتیجه رسانده که برای رهایی از انواع آسیب‌های اجتماعی می‌بایست به فرایند اخلاقی شدن جامعه کمک کرد. اخلاقی شدن جامعه یک فرایند است که باید گام به گام در گستره اجتماع نهادینه شود. برای این منظور، برخی به ترویج ارزش‌های اخلاقی روی می‌آورند و جمعی دیگر به آسیب‌شناسی اخلاقی

گرایش دارند، اما گروه سومی هستند که به آمیزه‌ای از آسیب‌شناسی و ترویج، باور دارند. *عنصرالمعالی* و *سعدی شیرازی* از اندیشمندانی هستند که با توجه به اقتضائات و شرایط جامعه روزگار خویش، رویکرد ترکیبی و آمیزه‌ای را برگزیده‌اند. *عنصرالمعالی* در قابوس‌نامه و *سعدی* در گلستان، آموزه‌های اخلاقی را ترویج می‌کنند و هم‌زمان مخاطب متفطن خود را نسبت به عوامل و زمینه‌های اخلاق‌گریزی آگاه می‌سازند. آن‌ها در این رویکرد به مثابه یک پزشک وارد میدان مسائل اجتماعی شده‌اند. پزشک هنگامی که به وجود بیماری پی می‌برد، پیش از تجویز دارو تلاش می‌کند عوامل و زمینه‌های بیماری را شناسایی کرده تا بر اساس این تشخیص، به بیمار توصیه‌هایی ارائه کند که اثرگذاری عوامل زمینه‌ساز بیماری را به حداقل برساند (مسجدی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۲۷). ارزش‌ها و هنجارها نیز ممکن است در دوره‌های مختلف تاریخی و در جوامع گوناگون دچار آسیب اجتماعی شوند. در چنین وضعیتی، رویکرد برگزیده *عنصرالمعالی* و *سعدی*، بسیار مناسب است؛ یعنی ضمن ترویج ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب اجتماعی، می‌بایست آسیب‌شناسی اخلاقی جامعه نیز موردتوجه قرار گیرد و در پرتو این آسیب‌شناسی، عوامل اثرگذار بر اخلاق‌گریزی و هنجارشکنی با دقت شناسایی شود.

۲. ترسیم چشم‌انداز قابل دستیابی از جامعه مطلوب

حکمت، کلیدواژه دانشوران مسلمان برای درک ویژه‌ای است که انسان از رهگذر آن، حق و حقیقت را درمی‌یابد. این مفهوم با تفکر و تذکر و خودآگاهی، و تعقل معناگرایانه پیوندی ناگسستنی دارد. این «حکمت» برای آن که در جامعه «عملی» شود، از سوی اندیشمندان مسلمانی که به رویکرد خطابی گرایش دارند در سه بخش اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن پی‌گیری شد و ابعاد مختلف زندگی بشر از فرد تا جامعه و حکومت را در بر می‌گیرد و به همین دلیل، امتداد تمدنی آن کاملاً قابل انتظار و پیش‌بینی است. در حکمت اسلامی، انسان و جامعه در ارتباط با خدا و مراتب وجود معنا می‌یابد. چنین نگاهی در فرهنگ اسلامی گسترش یافته و برای سده‌های طولانی، شالوده دانش‌ها در جامعه اسلامی بر آن استوار گردیده است. اندیشمندان رویکرد خطابی اگرچه با دیده آرمان‌گرا به مشکلات و مسائل جامعه می‌نگرند و با هدف ایجاد تحول، به سامان جامعه روی می‌آورند، اما با پوشش کامل حوزه‌های سه‌گانه حکمت عملی، یعنی تدبیر نفس، تدبیر منزل و تدبیر جامعه، واقع‌گرایی کاملی را نیز به نمایش گذارده و این پیش‌فرض را موردتوجه قرار داده‌اند که جامعه همانند خانواده بر الگوی انسان و قوای وی سامان می‌یابد و بهبود می‌پذیرد. بنابراین می‌توان دریافت که محتوای رویکرد خطابی متناظر با واقعیت‌های اجتماعی، نقش میزان و معیار را برای هنجارهای اجتماعی ایفا کرده است. (ترابی فارسانی و غندی، ۱۳۹۴، ص ۸۱-۸۲)

شیوه‌ای که اندیشمندان مسلمان در رویکرد خطابی برگزیده‌اند و اغلب به آن گرایش داشته‌اند، بیشتر مبتنی بر ترویج سبک زندگی مطلوب بوده، اما روشن است که سبک زندگی، تبلور فرهنگ است و تبیین چگونگی اثرگذاری ترویج سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، نیازمند واکاوی فرهنگ است تا چارچوب مفهومی مناسبی را برای تحلیل فراهم نماید. برای تأمین این منظور می‌توان بر این نکته تأکید کرد که سبک زندگی اگرچه بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفسیرهای فرد در جریان عمل روزمره است، اما نشان‌دهنده‌کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰؛ بوردیو، ۱۳۹۰، ص ۲۸۶ و ۳۳۷). بر این اساس، سبک زندگی به‌عنوان جلوه عینی و عملی فرهنگ، از یک‌سو نیازمند عقبه معرفتی منسجم و قوی است که بنیان‌های نظری فرهنگ (نظام معنایی) را ارائه می‌کند و از سوی دیگر، نیازمند ارزش‌ها و هنجارهایی است که در چارچوب بینش و نظام معنایی پیش‌گفته، ترجیحات و سلیقه فردی و ذائقه اجتماعی انسان‌ها به‌عنوان کنش‌گران اجتماعی (عوامل زمینه‌ای) را شکل می‌دهد. در چارچوب آن نظام معنایی و در گستره‌این عوامل زمینه‌ای، مجموعه الگوهای رفتاری نظام‌مند و درهم‌تنیده‌ای از سوی اعضای جامعه، طراحی و پذیرفته می‌شود و رفتار کنش‌گران را در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سامان داده و قابل پیش‌بینی و قابل درک و فهم می‌سازد. در این چارچوب، آنچه موردتوجه اندیشمندان مسلمان در رویکرد خطابی بوده، هدایت مردم به‌سوی زندگی اخلاقی خودخواسته است؛ زیرا انسان به لحاظ روحی و روانی به‌گونه‌ای است که معمولاً در برابر بایدها و نبایدها و به‌ویژه در مواجهه با نهی‌ها، خاضعانه سر تسلیم فرود نمی‌آورد. از سوی دیگر، این دسته از اندیشمندان از نگرش حداکثری به اخلاقی شدن افراد، پرهیز کرده‌اند؛ زیرا انسان با تمام قدرت‌ها و ظرفیت‌های فطری در عالم واقع، دچار محدودیت‌هایی نیز هست و بنابراین در ترسیم چشم‌انداز از جامعه مطلوب، ظرفیت و طاقت انسان‌ها باید با دقت موردتوجه قرار بگیرد و بر اساس آن برنامه‌ریزی شود. سعدی این موضوع را در امر تربیت اخلاقی، به شدت مد نظر قرار می‌دهد و معتقد است اگر این تفاوت‌ها موردتوجه قرار نگیرد روند اخلاقی شدن فرد، سرانجامی نخواهد داشت؛ «پادشاهی پسر را به ادیبی داد و گفت: این فرزندت دوست؛ تربیتش هم چنان کن که یکی از فرزندان خویش. گفت: فرمان‌بردارم. سالی چند بر او سعی کرده و به جایی نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند. ملک، دانشمند را مؤاخذت کرد و معاتب فرمود که وعده خلاف کردی و وفا به جای نیاوردی. گفت: بر رأی خداوند روی زمین یوشیده نیست که تربیت یکسان است و لکن طبایع مختلف». (سعدی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷)

۳. بهبود جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی شبکه اجتماعی

میزان مطابقت رفتار فرد با موازین، سنت‌ها و انتظارات جامعه یا مغایرت با آن‌ها و چگونگی قضاوت جامعه درباره او معیار مهمی برای سامان اجتماعی است. انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند. این پدیده که به صورت فرآیندی فراگیر در همه جوامع رخ می‌دهد از سوی جامعه‌شناسان با عنوان جامعه‌پذیری یاد می‌شود. جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن فرآیندی است که طی آن «هر انسانی تدریجاً به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی جامعه‌ای که در آن متولد شده، تبدیل می‌گردد» (گیدنز، ۱۳۸۱، ص ۸۶). در واقع، هر جامعه‌ای می‌کوشد از طریق این فرایند، اندوخته‌های مادی و معنوی خود را که در طول نسل‌های متمادی به دست آورده، به نسل‌های بعدی منتقل نموده و آن را حفظ کند. بدین ترتیب، نسل‌های مختلف جامعه به یکدیگر پیوند خورده و درک درستی از کنش‌های بهنجار اجتماعی و نمادهای فرهنگی خود کسب می‌کنند، اما خوانش این داستان در جامعه بشری، همیشه به این شکل نیست و همگان با انتظارات اجتماعی، هم‌نواپی نمی‌کنند؛ حال اگر برخی از اعضای جامعه به صورت فردی یا گروهی، قواعد رفتاری و هنجارهای اجتماعی را برنتابیده و رفتار و کنشی خارج از آن را در پیش بگیرند، فراروی آن‌ها گونه‌ای از کج‌روی قلمداد شده و در صورت گسترش آن رفتار، به‌عنوان نوعی آسیب اجتماعی شناخته می‌شود. روبرو شدن این رفتارهای هنجارشکن با منع و طرد قانونی و تقبیح اجتماعی، طبیعی است.

در همین چارچوب، گزینش خردمندانه گروه‌های مرجع در فرآیند جامعه‌پذیری بسیار اثرگذار است. از شاهکارهای آثار برجای‌مانده در رویکرد خطابی اندیشمندان مسلمان، آن است که فراوان به این مهم توجه کرده‌اند و در جای‌جای متون تدوینی خود درباره آن تذکر داده‌اند. این بذل‌توجه را به‌ویژه در بیان آیین دوست‌یابی مشاهده می‌کنیم. عنصرالمعالی میانه‌روی در دوستی‌ها را به فرزند خویش توصیه کرده و بر این باور است که نه به‌کلی با مردم قطع رابطه کردن درست است و نه دل‌بستگی کامل به آن‌ها. او هم‌چنین آموختن و شناخت دوستان واقعی را در پریشان‌حالی و درماندگی امکان‌پذیر می‌داند (عنصرالمعالی، ۱۳۱۲، ص ۱۰۲). سعدی نیز دوستان زبانی‌ونانی را که لاف یاری و برادرخواندگی می‌زنند شایسته مصاحبت نمی‌داند و به ژرف‌بخشی دوستی با کسانی که یاریگر روزهای سخت بوده‌اند سفارش می‌کند (سعدی، ۱۳۹۴، ص ۵۴-۴۶). فتیان و جوانمردان نیز در جهات مختلف فردی و اجتماعی و در خصال پسندیده‌ای همچون ایثار، فداکاری و گذشت می‌کوشیدند سیره و روش الگوهای قرآنی مانند ابراهیم، یوسف، اصحاب کهف و نیز پیامبر اعظم (ص) و علی (ع) را گروه مرجع

خویش در سبک زندگی قرار دهند (ابوالقاسمی و فخمی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۶). از این رو، جوانمردان با ویژگی‌های خاص شخصیتی در میان مردم به‌عنوان گروهی متمایز شناخته می‌شدند و همین تمایز، آنان را به‌عنوان یک گروه مرجع در گستره جامعه مسلمان تثبیت می‌کرد. در این چارچوب، آن‌ها خود را ملزم به رعایت آیین‌نامه و آداب‌ورسوم خاصی می‌دانستند که بخش زیادی از مفاهیم و مبانی فکری آن برگرفته از قرآن و سنت بوده است.

گزینش نادرست گروه مرجع می‌تواند انسان‌های درست‌کردار و پاک‌سرشت را به افرادی ناشایست تبدیل کند، آن‌گونه که انتخاب درست گروه مرجع نیز می‌تواند بذر نیکی و درستی را در نهاد آدمی شکوفا کند. سعدی در تشبیهی شایسته، محیط اجتماع را به باغچه‌ای تشبیه کرده که از گل، گل می‌رویاند (سعدی، ۱۳۹۴، ص ۲۳). اثرگذاری معاشرت با ناهلان و دوستان ناباب که امروز در نظریه‌های جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی کاملاً مورد توجه است، از سوی بسیاری از اندیشمندان مسلمان در رویکرد خطابی و به‌ویژه سعدی، مورد توجه بوده است. سعدی در جای‌جای گلستان به این مسئله توجه ویژه‌ای داشته و تأکید می‌کند «هر که با بدان نشیند، نیکی نبیند» (سعدی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸). او همچنین درباره اثرگذاری محیط اجتماع بر رفتار و کنش افراد به دو شاهد تاریخی اشاره کرده و می‌گوید (سعدی، ۱۳۹۴، ص ۳۵):

با بدان یار گشت همسر لوط خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد

۴. برجسته‌سازی بن‌مایه‌های اصیل فرهنگی در سبک زندگی

اندیشمندان مسلمان در رویکرد خطابی، همواره بر بنیان‌های فرهنگ بومی که اغلب برگرفته از آموزه‌های اسلامی و سازگار با فطرت سلیم انسانی است، تأکید کرده‌اند. آن‌ها بر این مسئله واقف بوده‌اند که چارچوب رفتاری کنشگران هر عصری را دین و عرف تعیین می‌کند. بسیاری از اعمال و رفتار مردم یک جامعه، متأثر از آداب‌ورسوم، قواعد و قوانین، سنن و عادات، عرف و مذهب است و این امور همان بن‌مایه‌های فرهنگی است که در متون تدوین‌شده برای رویکرد خطابی کاملاً مورد توجه بوده و در قالب‌های گوناگون به کنشگران در طبقات مختلف اجتماعی گوشزد شده است.

اندیشمندان مسلمان در سویه‌های گوناگون رویکرد خطابی، رسیدگی عادلانه به نیازهای مردمان و جلوگیری از ضایع شدن حقوق آن‌ها را مهم‌ترین کارکرد حکومت برشمرده‌اند که در پرتو آن، جامعه

راه صلاح و فلاح را در پیش می‌گیرد و آبادانی و امنیت را به چشم می‌بیند. از این دیدگاه، پایداری و ماندگاری حاکمیت نیز به دادگری آن وابسته است (سعدی، ۱۳۹۴، ص ۴۹-۵۱). «پادشاه چون آفتاب است، نشاید که بر یکی تابد و بر یکی نتابد و نیز رعیت به عدل توان داشت و رعیت از عدل آبادان باشد که دخل از رعیت حاصل می‌شود؛ پس بیداد را در مملکت راه مده که خانه مَلِکان از داد بر جای باشد و قدیم گردد و خانه بیدادگران زود نیست شود» (عنصرالمعالی، ۱۳۱۲، ص ۱۷۱). اندیشمندان مسلمان در رویکرد خطابی برای تأمین بهینه عدالت و دادگری در حکومت، نکاتی اخلاقی را به پادشاه یادآور شده‌اند که در این زمینه سعدی به دوری گزیدن پادشاه از آسایش و رفاهی که او را از حال رعیت غافل کند اشاره می‌کند و او را به میانه‌روی در رفتار فرامی‌خواند (سعدی، ۱۳۷۱، ص ۸۹۴). امیر عنصرالمعالی نیز در این زمینه بر پارسایی حاکم، مشورت با خردمندان، سپردن کار به کاردان، زیرکی در سیاست و آگاهی از حال رعیت و کارگزاران تأکید کرده است (عنصرالمعالی، ۱۳۱۲، ص ۱۶۷-۱۷۳). دادگری هم‌چنین زمینه و خاستگاه آرامش و امنیت اجتماعی است؛ نظام‌الملک در یکی از حکایت‌های طولانی سیرالملوک به ماجرای وزیری اشاره می‌کند که از گستره اختیارات خود و غفلت پادشاه استفاده کرده و بساط بیداد را در جامعه گسترانیده بود؛ پس از مدتی، آنگاه که دشمن بیرونی، جامعه را تهدید کرد، پادشاه که برای تجهیز سپاه به سراغ خزانه رفت، آن را تهی یافت. بررسی‌های پادشاه او را به این نتیجه رسانید که بیدادگری وزیر، امنیت اجتماعی را بر باد داده و توانگران و پیشه‌وران را زمین‌گیر کرده است (نظام‌الملک، ۱۳۴۷، ص ۳۱-۴۰). این حکایت، رسالت حکومت برای دادگری در راستای ایجاد جامعه عاری از تهدید و خشونت را چنین بازنمایی کرده است که عامل کج‌روی و بی‌نظمی اجتماعی و تهدید امنیت اجتماعی، فقدان عدالت است و ریشه آن نیز به خیره‌سری ارکان قدرت در رأس هرم اجتماعی بازمی‌گردد.

هم‌چنین در سبک زندگی برآمده از فرهنگ اسلامی - ایرانی، میانه‌روی از اصول مشترکی است که مورد توجه اغلب اندیشمندان مسلمان در رویکرد خطابی بوده است. سعدی در گلستان، نظام‌الملک در سیرالملوک و عنصرالمعالی در قابوس‌نامه بر میانه‌روی تأکید بسیار کرده‌اند. در آداب‌نامه‌های برجای‌مانده از این اندیشمندان، میانه‌روی با گستره‌ای فراگیر تعریف شده است. سعدی حتی دامنه میانه‌روی را تا قلمرو زهد و عرفان نیز گسترانیده و با آگاهی از نتایج تلخ «زهد صوفیانه» که از حقیقت عرفانی خود دور گشته و به انواع خرافه‌ها و بدعت‌ها آلوده شده، به مبارزه فکری با آن پرداخته و با یادآوری تعهدات اجتماعی انسان، او را به حضور در اجتماع و خودسازی در متن جامعه فرامی‌خواند (سعدی، ۱۳۷۲، ص ۲۳۳-۲۳۴؛ ۱۳۹۴، ص ۷۵ و ۸۴). از نگاه اعتدالی سعدی هرگونه افراط در زهد، مخرب است و او

زیاده‌روی صوفیان در ریاضت را چون عشرت طلبی اوباشان بی‌ارزش می‌داند و خروج از چارچوب آموزه‌های اسلام و سنت و عرف جامعه را نکوهش کرده است. او همچنین با آگاهی از آفات اجتماعی زهد ریایی و درباری، همراهی زهدفروشان با اصحاب قدرت را نیز نقد کرده است. *عنصرالمعالی* نیز که آخرین باب از قابوس‌نامه را به انسان‌شناسی اختصاص داده، بر این باور بود که انسان همانند طبیعت، ترکیبی از متفرقات است و همان‌گونه که طبیعت با ایجاد واسطه‌های مناسب به اعتدال می‌رسد، آدمی نیز می‌تواند با تلاش و کوشش به اعتدال برسد و زمانی که انسان به اعتدال رسد، در جرگه جوانمردان قرار می‌گیرد که خود، سه ویژگی و نشانه مهم دارد: اول آن‌چه گویی، کنی؛ دوم خلاف راستی نکنی و سوم در کار، شکیبایی ورزی (*عنصرالمعالی*، ۱۳۱۲، ص ۱۸۰-۱۸۱). روشن است که این رویکرد تربیتی، مبتنی بر ایجاد اعتدال است: انسان معتدل و جامعه معتدل. در همین چارچوب، او ضرورت وجود تفریح در زندگی را مورد توجه ویژه قرار داده و پرداختن دائمی به کارهای جدی را خوش نمی‌داند (*عنصرالمعالی*، ۱۳۱۲، ص ۶۳). اگرچه برای تفریح نیز باید حد و اندازه را نگه داشت (*عنصرالمعالی*، ۱۳۱۲، ص ۶۶ و ۶۸) و از فساد در تفریح باید پرهیز کرد. (*عنصرالمعالی*، ۱۳۱۲، ص ۵۴-۵۵)

از دیگر بن‌مایه‌های اصیل فرهنگی نزد ایرانیان، خردورزی و دانش‌اندوزی است. *عنصرالمعالی* در قالب پند به فرزندش می‌گوید بکوش تا به خرد و دانش، توانگر شوی زیرا غنی شدن به دانش، برتر از مال و ثروت است و ثروت در دست توانگرانی که از خرد و هنر، بهره‌ای ندارند پایدار نمی‌ماند (*عنصرالمعالی*، ۱۳۱۲، ص ۱۷). البته از آنجا که صاحبان علم در هر جامعه‌ای، الگوی همه اقشار جامعه هستند و کار آنان مبنایی برای صحت عمل عموم افراد جامعه شمرده می‌شود، سعدی در گلستان نگرش آسیب‌شناختی به کار و عملکرد عالمان دارد؛ بدین معنی که اگر عالم به جای آن‌که به تعهد علمی و عملی خود که تثبیت حقیقت در جامعه است، در جهت تضاد میان دانش و عمل گام بردارد، آنگاه عموم مردم به دانش عالم نیز بدبین می‌گردند و چه بسا دانش او را در جهت توجیه افعال ناشایستان بپندارند. بنابراین سعدی، اصحاب دانش را به هماهنگی میان علم و عمل توصیه می‌کند و با نگاهی آسیب‌شناسانه به مردم توصیه می‌کند که اگر هم با عالمی روبرو شدند که تضاد میان علم و عملش وجود داشت، به سبب چنین امر ناشایستی، تجربه علمی وی را نادیده نگیرند و میان اندیشه و گفتار وی تمایز قائل شوند. (سعدی، ۱۳۹۴، ص ۸۳)

نتیجه‌گیری

دانش اجتماعی مسلمین در رویکرد خطابی، نمونه‌ای آشکار از رویکرد فرهنگی و هدف‌گذاری

اصلاحی در عرصه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به نمایش گذاشته است. موضوع پژوهش حاضر نیز بررسی شیوه رویارویی این رویکرد با آسیب‌های اجتماعی و استخراج الگوهای کنترل این آسیب‌ها از دل متون و آثاری است که اندیشمندان مسلمان با گرایش به رویکرد خطابی نگاشته و پدید آورده‌اند. کامیابی مسلمانان در دورانی که قافله‌سالار و پیشگام تمدن جهانی بودند، دلیلی بر توانمندی اجتماعی آنان در کنترل انواع آسیب‌های اجتماعی است. جامعه‌ای توان و امکان دستیابی به تمدن را دارد که از انواع آسیب‌های اجتماعی و آفت‌های هنجاری تهی باشد یا آن‌ها را به شایستگی کنترل کرده باشد. هم‌چنین این کامیابی، نشانهدقت نظر و صحت‌گزینش شیوه‌های رویارویی با انواع کجروی است که اندیشمندان جامعه، پیشنهاد و اجرا کرده‌اند.

همان‌گونه که در متن این پژوهش نشان داده شد، تلاش اندیشمندان مسلمانی که با رویکرد خطابی به مسائل جامعه توجه کرده‌اند عموماً بر کنترل کجروی‌ها و پیرایش سبک زندگی از ضد ارزش‌ها متمرکز شده است. آنان در همین راستا با ریشه‌یابی و علت‌جویی آسیب‌های اجتماعی، برای برون‌رفت جامعه از نابسامانی و کنترل آسیب‌ها به گزینش بخردانه گروه‌های مرجع توصیه کرده و برجسته‌سازی عناصر و بن‌مایه‌های اصیل فرهنگی را در آثار خود موردتوجه ویژه قرار داده‌اند. روشن است که با اثرپذیری فرهنگ جامعه ایرانی از آموزه‌های اسلامی، بسیاری از این رهنمودها نیز در سازگاری کامل با آموزه‌های دینی ارائه شده است. دانش اجتماعی مسلمین در رویکرد خطابی، با دخالت دادن مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها، به ترسیم و شکل‌گیری سبک خاص زندگی در جامعه اسلامی - ایرانی کمک کرد و از این رهگذر، اثرگذاری این نوع خاص از سبک زندگی را در پدید آمدن تمدن و ماندگاری آن، تسهیل کرده است. شیوه‌ای که دانش اجتماعی مسلمین با رویکرد خطابی برای اصلاح و هدایت جامعه در دوره فراز تمدنی برگزید دقیقاً همان شیوه‌ای است که مورد تأیید آموزه‌های دینی بوده و از سوی پیامبران الهی پیگیری می‌شد؛ پیامبران خدا از ابزار حاکم ساختن باورها و ارزش‌های دینی برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و شیوهانتخاب مردم بهره می‌گرفتند، تا آن‌ها به‌صورت خودخواسته و با رضایت خاطر به اصلاح الگوهای سبک زندگی خود اقدام نمایند.

حاصل پژوهش حاضر آن است که اندیشمندان مسلمان در دوران فراز تمدنی جامعه مسلمان، بهترین روش برای رویارویی با کجروی و کنترل آسیب‌های اجتماعی را تمرکز بر اخلاقی شدن جامعه و هدایت ذائقه و سلیقه اجتماع به‌سوی بن‌مایه‌های اصیل فرهنگی دانسته‌اند. آن‌ها برای سوق دادن جامعه به‌سوی ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب اجتماعی، به اختلاف طبایع و ظرفیت افراد توجه کرده و

به دور از تنگ‌نظری‌ها، گوناگونی در سبک‌های زندگی را تا زمانی که در چارچوب کلان فرهنگ مطلوب بگنجد، پذیرا بودند و با الهام از آموزه‌های اسلامی، انتخاب خودخواسته‌انسان‌ها را مبنای تلاش اصلاحی خود قرار داده بودند.

منابع

- ابراهیمی‌پور، قاسم، (زمستان ۱۳۹۴)، «علم اجتماعی مسلمین: رویکردها و روش‌ها»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش ۲۵، ص ۲۷-۵۲.
- ابوالقاسمی، سیده مریم، و نسرین فحیمی، (زمستان ۱۳۹۵)، «تأملی در آداب و رسوم و مسائل اجتماعی اهل فتوت در متون نثر عرفانی تا پایان قرن ششم هجری»، *فصلنامه عرفان اسلامی*، ش ۵۰، ص ۱۶۵-۱۸۶.
- ابوعلی مسکویه، احمد، (۱۳۷۴)، *جاویدان خرد*، ترجمه تقی‌الدین محمد شوشتری، تهران: فرهنگ کاوش.
- ایمان، محمدتقی، و محمدرضا نوشادی، (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، *فصلنامه پژوهش*، سال سوم، ش ۲، ص ۱۵-۴۴.
- بوردیو، پی‌یر، (۱۳۹۰)، *تمايز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۴۹)، *سبک‌شناسی*، تهران: امیر کبیر.
- پارسانیا، حمید، (۱۳۸۶)، *درسنامه اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان*، قم: دانشگاه باقرالعلوم.
- _____، (۱۳۸۹)، *روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*، قم: کتاب فردا.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا، و علی‌اکبر غندی، (پاییز ۱۳۹۴)، «آداب‌نامه‌ها و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری اجتماعی»، *تاریخ اسلام و ایران*، ش ۱۱۷، ص ۶۵-۱۰۲.
- تفضلی، احمد، (۱۳۷۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- ذکاوتی قراگوزلو، علیرضا، (۱۳۸۷)، *بدیع‌الزمان همدانی و مقامات‌نویسی*، تهران: حوزه هنری.
- رجائی، فرهنگ، (۱۳۷۳)، *معرکه جهان‌بینی‌ها*، تهران: احیاء کتاب.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۳)، *از گذشته ادبی ایران*، تهران: سخن.

- سعدی، (۱۳۷۱)، *کلیات*، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.
- _____، (۱۳۷۲)، *بوستان*، تهران: ققنوس.
- _____، (۱۳۹۴)، *گلستان*، مقدمه و تصحیح محمدعلی فروغی، قم: آسمان علم.
- شرفی، محبوبه، (پاییز ۱۳۹۰)، «اندرزنامه‌نویسی سیاسی در عصر ایلخانی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۱۰، ص ۹۳-۱۱۴.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۳)، *انواع ادبی*، تهران: فردوس.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر، (۱۳۱۲)، *قابوس‌نامه*، با مقدمه و حواشی سعید نفیس، تهران: مطبعه مجلس.
- قندهاری، فیروزه، (۱۳۸۵)، «اندرزنامه‌های کهن و بازتاب آن‌ها در ادبیات سده‌های اولیه اسلامی»، *چهارمین همایش ادبیات تطبیقی*، ص ۱۲۵-۱۳۶.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- _____، (۱۳۸۷)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- مسجدی، حسین؛ موسوی، سیدحامد و صفیه توکلی، (بهار ۱۳۹۲)، «فرآیند اخلاقی شدن جامعه از نگاه سعدی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، ش ۱۷، ص ۲۱۹-۲۴۳.
- مشتاق‌مهر، رحمان، (بهار و تابستان ۱۳۸۵)، «حکمرانی آرمانی ایرانیان در اندرزنامه جاویدان خرد»، *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۶، ص ۸۵-۹۸.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
- معین، محمد، (۱۳۶۴)، *مجموعه مقالات*، به کوشش مهدخت معین، تهران.
- مقدم، سعید، (پاییز ۱۳۹۳)، «بررسی روش‌شناسی بنیادین سیاست‌نامه نویسی در دوره میانه»، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش ۲۰، ص ۲۵-۴۴.
- مهرآوران، محمود و مهدی قاسمی، (پاییز ۱۳۹۳)، «نقد اجتماعی در آثار سعدی»، *مطالعات انتقادی ادبیات*، ش ۳، ص ۱۱-۴۰.
- نظام‌الملک، حسن طوسی، (۱۳۴۷)، *سیر الملوک*، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- واعظ کاشفی سبزواری، حسین، (۱۳۵۰)، *فتوت‌نامه سلطانی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.